

جایگاه روایت شعبه از عاصم نظر مفسرین امامیه*

احمد عابدی** و داود ترابی میبیدی***

چکیده

قرائت قرآن، دیرینه‌ای به اندازه‌ی نزول قرآن دارد و علم قرائت برخاسته از این پیشینه می‌باشد. اقبال مسلمانان به قرائت عاصم از جهت عالی بودن سند آن باعث شده در تعیین طریق آن یعنی ابوبکر بن عیاش و حفص بن سلیمان دقت بیشتری لحاظ کنند، به ویژه اینکه اختلاف این دو روایت به حدی است که هر کدام قرائت جداگانه‌ای به شمار می‌رود. ایراداتی همانند ضعف در حدیث، خطا و اعراض از قرائت عاصم، مهم‌ترین خدشه‌هایی است که به روایت ابوبکر بن عیاش وارد کرده‌اند. این پژوهش با تحلیل ادعاهای مطرح شده به دفاع از این روایت پرداخته و شخصیت اخلاقی، اعتقادی و علمی ابوبکر بن عیاش را تبیین نموده است. این روایت تأثیر بسزایی در فقه و تفسیر دارد. مجمع‌البیان نمونه کاملی است که طبق این روایت به تفسیر قرآن پرداخته است. در این نوشتار موارد جالب توجهی از این روایت که در تفاسیر شیعی وجود داشته، احصا شده تا دلیلی بر رواج این روایت نزد امامیه باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، علم قرائت، ابوبکر بن عیاش، روایت، مجمع‌البیان، تفاسیر شیعی.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۵ و تاریخ تأیید: ۹۴/۴/۲

** دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول): karimiiran@yahoo.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و اصول (حوزه علمیه): dtorabi57@yahoo.com

مقدمه

قرائت در لغت به تلاوت و خواندن قرآن کریم، و در اصطلاح به گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف استوار باشد (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۷۹: ۱۴۱ و ۱۴۲) و اساس آن بر سماع و مشافهه است (فضل عباس، اتقان القرآن، ۱۴۳۰: ۲/ ۱۱۰). هر قاری دارای دو راوی مشهور می‌باشد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از او اخذ قرائت کرده‌اند؛ برای مثال، ابوبکر بن عیاش و حفص بدون واسطه از عاصم اخذ قرائت کرده‌اند و بزی و قنبل با واسطه راویان ابن کثیر به شمار می‌روند. آنچه که هر دو راوی بر خواندن آن اتفاق نظر دارند، قرائت آن قاری گفته می‌شود؛ مثلاً قرائت کلماتی که مورد اتفاق حفص و ابوبکر بن عیاش باشد، قرائت عاصم گویند و آنچه که هر راوی از امام قرائت خویش نقل می‌کند و با نقل راوی دیگر متفاوت باشد، روایت آن کلمه نامند؛ برای نمونه «كُفُوًا» بنا بر روایت ابوبکر بن عیاش از عاصم و «كُفُوًا» بنا بر روایت حفص از عاصم می‌باشد.

در میان قراء سبعة، قرائت عاصم از بهترین قرائات است. در این باره ابوبکر بن عیاش می‌گوید: به کرات از ابواسحاق سبعی شنیدم که می‌گفت: «ما رأيت احدا أقرأ للقرآن من عاصم بن ابي النجود» (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/ ۳۴۷). بعد از عاصم، حفص بن سلیمان در کوفه اقبال چندانی نداشت و ابوبکر بن عیاش سکان‌دار قرائت او شد. او بیش از پنجاه سال امام‌القراء کوفه بود و مسلمانان قرائت عاصم را تنها از طریق ابوبکر بن عیاش پذیرفتند و قدما بنا بر احادیث وارد شده، طبق این روایت فتوا می‌دادند و مفسران بر اساس این روایت قرآن را تفسیر می‌نمودند. همه این موارد نشان‌دهنده جایگاه پراهمیت و رواج این روایت نزد عامه مسلمانان می‌باشد. این نوشتار در صدد تا جایگاه فراموش شده این روایت را یادآوری کند و تأثیر روایت مذکور در فقه و تفسیر در نزد امامیه به بحث و تحقیق بگذارد. بدیهی است رواج روایت حفص از عاصم در سده‌های اخیر به جهت سهولت و مطابقت آن با لهجه و گرایش عام مسلمانان در خاورمیانه می‌باشد.

زندگی‌نامه ابوبکر بن عیاش

ابوبکر بن عیاش بن سالم حنّاط کوفی یکی از دو راوی قرائت عاصم بین سال‌های ۹۴-۹۷ق در کوفه به دنیا آمد (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۵). در نام او اختلاف است و نام «شُعبه» بهترین اقوال است (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۲/۳۲۶). او در همان جا پرورش یافت و از آن جهت که در آمدش از راه گندم فروشی بود، به حنّاط معروف گردیده است و در برخی نسخ با خیاط اشتباه شده است. دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس را درک نمود که مصادف با امامت امام صادق (علیه السلام) تا امام هشتم (علیه السلام) می‌باشد. او قریب صد سال عمر نمود و در سال ۱۹۳ق همزمان با مرگ هارون الرشید درگذشت (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۵؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۶؛ دینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸: ۳۹۲).

شخصیت اخلاقی ابوبکر بن عیاش

ابن مبارک هنگامی که از ابوبکر بن عیاش یاد می‌کرد بر او درود می‌فرستاد (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۵). او را سید، امام [القراء]، کثیرالعلم و العمل و بی‌همتا معرفی کرده‌اند (ذهبی، معرفه القراء، بی‌تا: ۱۱۱). او را به قائم اللیل و صائم النهار توصیف کرده‌اند: «کان قد صام سبعین سنة و قامها و کان لا یعلم له باللیل نوم» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۵). آن‌گونه به تهجد و شب زنده‌داری مشغول بود که سالیان سال پهلو بر زمین نگذارد و بستری برای خواب نگسترده. (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۵). ابن مبارک می‌گوید: «ما رأیت احداً اسرع الی السنة و العبادة من ابی بکر بن عیاش» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۶). ناسک به عبادت و اهل نوافل بود و عمری را با تلاوت و قرائت قرآن سپری نمود (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۵). در موقع مرگ به خواهرش گفت: «ما ینبغیک انظری الی تلک الزاویة فقد ختمت فیها ثمانی عشر الف ختمة» (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/۳۲۶). همچنین نقل شده است که هنگام جان دادن به فرزندش چنین گفت: از سی سالگی هر روز یک ختم قرآن داشته‌ام. (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۶).

برخی محققان بر مبالغه آمیز بودن این دو خبر اصرار دارند. اخبار اغراق آمیز دیگری نیز درباره ابوبکر بن عیاش نقل شده است (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۰؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۷) که دیدگاه محققان مذکور را تأیید می‌کند.

شخصیت اعتقادی ابوبکر بن عیاش

برقی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است و با عبارت «کوفی عامی» مذهب او را معلوم نموده است (برقی، کتاب الرجال، ۱۳۴۲: ۴۲). شیخ مفید از ابوبکر بن عیاش از انس بن مالک نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله رو به حضرت علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی هر کس تو را دشمن دارد خداوند وی را به مرگ جاهلیت (حال کفر و بی‌دینی) بمیراند، و روز قیامت به حساب اعمالش رسیدگی نماید» (مفید، الأمالی، ۱۳۶۴: ۸۷). ابوبکر بن عیاشی ضربه حضرت علی علیه السلام در جنگ خندق را مبارک‌ترین ضربه در اسلام و ضربه‌ی ابن ملجم مرادی را شوم‌ترین ضربه معرفی می‌کند (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴: ۱۹/۶۱) و در ضمن مثالی به برتری حضرت علی علیه السلام نسبت به دیگر خلفا اشاره می‌کند (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۷۹). ابوبکر بن عیاش در برابر دستگاه حاکم که به ویرانی قبر امام حسین علیه السلام و جلوگیری از زیارت آن حضرت همّت گماشته بود، مجاهداتی داشته است (طوسی، الأمالی، ۱۴۱۴: ۳۲۱). با فقه اهل بیت علیهم السلام آشنایی داشت و طبق آن قضاوت می‌نمود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/۱۷۳). همچنین تنها راوی زیارت رجبیه است (مشهدی، المزار کبیر، ۱۴۱۹: ۲۰۳). همچنین از او قضاوت‌های نابجا درباره عقاید شیعیان نقل شده (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۰)، چنان که برخی آیات قرآن را نیز در مدح خلفا تأویل کرده است (همان، ۳۷۹). با توجه به مطالب ارائه شده در مجموع او از ارادتمندان خاندان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود و از لحاظ مذهب عامی محسوب می‌شود.

شخصیت علمی ابوبکر بن عیاش

ابوبکر بن عیاشی تا ۱۶ سالگی تلاش چندانی برای کسب دانش نداشت. آن‌گاه سه سال نزد عاصم قرائت را فرا گرفت و هم‌زمان با آن تفسیر را از کلبی و فقه را از مغیره آموخت. شیخ روایی خود را اعمش قرار داد و از زمره شاگردان خاص او قرار گرفت؛ به گونه‌ای که اعمش در برخی مجالس نقل روایت به کسی جز ابوبکر بن عیاش اجازه ورود نمی‌داد (ذهبی، معرفه القراء، بی‌تا: ۱۱۳). او از بسیاری از مشایخ کوفه همانند ابواسحاق سبیبی و استاد قرائتش عاصم روایت نقل کرده است و بسیاری از محدثان عراق همچون عبدالله بن مبارک و یحیی بن آدم از وی روایت نقل کرده‌اند. ابوبکر در روایت حکایات و اخبار تاریخی سهم بسزایی دارد و از نظر رجالی برخی او را از ضعفا و برخی دیگر او را صدوق خوانده‌اند (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۲/۴۰۰).

در کتاب‌های تاریخی و علوم قرآنی آمده است که حفص بن سلیمان به عاصم بن ابی النجود می‌گوید: «ابوبکر یخالفنی، فقال: أقرأتک بما أقرأنی ابو عبدالرحمن السُّلمی عن علی بن ابیطالب و أقرأته بما أقرأنی زِرِّ بن حبیش عن عبدالله بن مسعود» (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/ ۲۵۴)، این در حالی است که ابوبکر بن عیاش می‌گوید: «قال لی عاصم: ما أقرأنی احد حرفاً الا ابو عبدالرحمن السُّلمی و كنت ارجع من عنده فاعرض علی زِرِّ» (همان، ۳۴۸). عاصم پس از آنکه قرائت را از ابوعبدالرحمن سُلمی اخذ نمود، برای تثبیت آن و یادآوری مجدد خدمت زر بن حبیش می‌رسید؛ زیرا ابوبکر در جواب عاصم می‌گوید: «لقد استوثقت؛ به تحقیق محکم‌کاری نموده‌ای» (ابن مجاهد، کتاب سبعة القرائات، بی‌تا: ۷۰). با توجه به آنچه گذشت، جای این سؤال هست که چگونه از یک طرف عاصم استادی جز ابوعبدالرحمن سُلمی نداشته و از طرف دیگر حفص ادعا می‌کند روایت ابوبکر بن عیاش از عاصم براساس قرائت زر بن حبیش است؟

به نظر می‌رسد ادعای حفص چون در مقام شکایت و به نفع خود اوست، پذیرفته نشود به خلاف خبر ابوبکر بن عیاش. از طرف دیگر، در منابع، ابوبکر بن عیاش را «صدوق» و حفص بن سلیمان را «کذاب» معرفی کرده‌اند (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۲/ ۴۰۰). پس روایت ابوبکر بن عیاش تنها از طریق عاصم از ابوعبدالرحمن سُلمی می‌باشد. همچنین ذهبی در جواب خبری که بیان می‌کند ابوبکر بن عیاش از عطاء بن سائب و أُسلم منقری اخذ قرائت کرده، می‌گوید: «هذه الرواية واهية روى يحيى بن آدم عن ابي بكر قال: تعلمت من عاصم خمساََ خمساََ و لم اتعلم من غيره و لا قرأت علی غيره و اختلفت اليه نحواً من ثلاث سنين في الحر و الشتاء و الامطار» (ذهبی، معرفه القراء، بی‌تا: ۱۱۴). ابو بکر بن عیاش نه استادی غیر از عاصم داشته و نه حرفی از قرآن را واگذارده است مگر اینکه از عاصم قرائت آن را اخذ کرده است. همانند کودکان پنج آیه، پنج آیه نزد عاصم قرائت قرآن را فرا گرفته است. ذهبی نیز در سیر اعلام النبلاء اخذ قرائت ابوبکر بن عیاش از غیر عاصم را مورد تردید قرار داده است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۹: ۸/ ۴۹۵).

حاصل آنکه بسیاری روایت ابوبکر بن عیاش را نسبت به روایت حفص اوثق و اثبت دانسته‌اند (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/ ۳۶). ابن مجاهد در این باره می‌نویسد: «اضبط من اخذ عن عاصم ابوبکر بن عیاش» (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، بی‌تا، ۷۱).

در مجموع ۷۶ طریق از روایت ابوبکر بن عیاش برای قرائت عاصم نقل شده است و همه آنان از اعلام و مشاهیر کوفه می‌باشند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱/۱۲۷)، اما این روایت بیشتر از طریق یحیی بن آدم و یحیی بن محمد علیمی رواج یافته است (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/۳۲۶).

جرح و تعدیل روایت ابوبکر بن عیاش

مهم‌ترین عیب و نقص ابوبکر بن عیاش که آن را علت اصلی اعراض از قرائت او بیان نموده‌اند، مسئله سوء حفظ و اضطراب او در حدیث می‌باشد. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «یضعف ابابکر فی الحدیث» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۵). هم او نقل می‌کند: «یحیی القطان و علی بن المدائنی یسیئان الرأی فیہ» (همان، ۳۶) ابونعیم می‌گوید: «لم یکن من شیوخی اکثر غلطاً من ابی بکر بن عیاش» (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۸۱). در کتاب‌های تاریخی و علوم قرآنی همین ایراد را به حفص بن سلیمان و حتی به شیخ إقراء این دو یعنی عاصم بن ابی‌النجدود وارد کرده‌اند. عسقلانی سخنانی را در این باب چنین گزارش می‌کند: «قال ابن سعد: ... أنه [عاصم] کان کثیر الخطأ فی حدیثه ... قال ابن الخراش فی حدیثه نکرة ... قال العقیلی: لم یکن فیہ الا سوء الحفظ» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۵/۳۹) و به حفص نیز همین نقص و عیب وارد شده است (همان، ۲/۴۰۰).

شاید بتوان در جواب از این ایراد گفت که باید بین حوزه قرائت و حوزه حدیث فرق گذاشت. قواعد و ضوابط این دو فن از هم متفاوت است. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «کان شعبه یختار الاعمش علیه [عاصم] فی ثبت الحدیث» (همان، ۵/۳۹). ابوبکر بن عیاش اعمش را شیخ حدیثی خود برمی‌گزیند گرچه استاد قرائتش جناب عاصم می‌باشد. پس این دو فن با هم متفاوت می‌باشد. شاهد دیگر برای بیان تفاوت این دو حوزه این است که ذهبی درباره حفص می‌گوید: در قرائت ثقة است گرچه در حدیث این گونه نیست (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/۲۵۴). ابن جزری نیز تصریح به تفاوت این دو فن دارد (همان). پس تمام ایراداتی که به عاصم وارد شده از جهت حدیث می‌باشد. یعقوب بن سلیمان درباره عاصم می‌گوید: «فی حدیثه اضطراب» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۵/۳۹) و ابو بکر بن عیاش نیز از جهت حدیث تضعیف شده است.

جواب دیگر اینکه در مورد عاصم و ابوبکر بن عیاش نقل شده که در آخر عمر دچار عارضه نسیان و فراموشی شده‌اند: «خلط عاصم فی آخر عمره» (همان) و درباره ابوبکر بن عیاش آمده است: «یحیی القطان و علی بن المدائنی یسیان الرأی فیه و ذلک إنه لما کبر ساء حفظه» (همان، ۱۲/۳۶). ابن حجر عسقلانی در ادامه می‌نویسد: «فمن کان لا یكثر ذلک منه فلا یتستحق ترک حدیثه بعد تقوم عدالته ... فالصواب فی أمره مجانبة ما علم أنه أخطأ فیه و الاحتجاج بما یرویه سواء وافق الثقات او خالفهم» (همان). سوء حفظ ابوبکر بن عیاش کم بوده است آن هم در حوزه حدیث نه قرائت و مربوط به دهه آخر عمر او بوده است؛ از این رو، سوء حفظش حتی در حدیث هم خدشه‌ای به وثاقتش وارد نمی‌کند مگر اینکه اطمینان به خطایش در نقل حدیث وجود داشته باشد.

شاید نسبت ضعف و اضطراب در حدیث از این جهت باشد که شیخ حدیثی او برخی روایات را فقط برای او نقل کرده است؛ از این رو، این احادیث برای دیگران ضعیف به شماره آمده است، ولی ابن عدی درباره ابوبکر بن عیاش می‌گوید: «هو فی کل روایاته عن کل من روی عنه لا بأس به و ذلک انی لم اجد له حدیثاً منکراً» (همان).

علاوه بر آن، او در دورانی که مبتلا به نسیان شده، دست از امام القرائی کوفه برداشته است. ابن جزری به عنوان طعن و نقیصه درباره ابوبکر بن عیاش می‌گوید: «... الا انه قطع الإقراء قبل موته بسبع سنین و قیل بأكثر» (ابن جزری، غایه النهایه، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۰۲: ۱/۳۲۶)، این در حالی است که کناره‌گیری از امامت در قرائت از شدت تقوی و اهمیت به حفظ روایت خویش از عاصم بوده است؛ از این رو، در توصیف او گفته‌اند: «کان من العباد الحفاظ المتقین» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۷: ۱۲/۳۶)، حال که ابوبکر بن عیاش متهم به سوء حفظ در قرائت نمی‌باشد نباید به اخبار قلیلی که درباره سوء حفظ و اعراض او از قرائت عاصم می‌باشد، توجه نمود (فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/۹۵۲).

اشکال دیگری که به روایت ابوبکر بن عیاش وارد کرده‌اند، این است که او علاوه بر آنچه که از استادش عاصم فرا گرفته، ملاک قرائتش را اتفاق قرائات حجاز، بصره و شام قرار داده است (بهارزاده، روایت حفص از عاصم، ۱۳۷۵: ۷۵-۹۵).

به نظر می‌رسد که در پاسخ این ادعا می‌توان گفت که ابوبکر بن عیاش به غیر از عاصم نزد هیچ کدام از قرآء مدینه و مکه، بصره و شام اخذ قرائت نکرده است تا بتواند اتفاق آنها را ملاک روایتش قرار بدهد. علاوه بر اینکه موارد زیادی از روایت او با سایر قرآء اختلاف دارد. مواردی چند از روایت ابوبکر بن عیاش که با همه قرآء اختلاف دارد، بدین قرار است.

ابوبکر بن عیاش در آیه ۱۸۵ بقره ﴿وَلْيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾ را «وَلْيُكْمِلُوا» با تشدید میم روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۲/۲۹؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۱۲۶؛ فارسی، حجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱/۴۴۹) و «رضوان» را با ضمه‌ی راء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۱/۳۱۴؛ ابی مریم، الموضح فی وجوه القرائات، ۲۰۰۹: ۲۳۱؛ فارسی، حجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱/۵۷۶) و «خُفیه» را با کسر خاء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۱/۲۹۵؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۲۵۵؛ فارسی، حجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/۹۰۷). در سوره سبأ آیه ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُوها شَهْرًا﴾ «الريح» را با رفع روایت نموده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۸/۲۱۶؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۵۸۳) و در آیه ۹۲ انعام «لَتُنذِرَ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/۱۲۱؛ ابوزرعه، ۱۴۰۴: ۲۶۱) و در آیه ۳۸ اعراف «لَا تَعْلَمُونَ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/۲۷۵) را به صیغه غایب آورده و در آیه ۷۱ نحل «يَجْحَدُونَ» را به صیغه مخاطب روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۶/۲۰۵؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۳۹۲) در آیه ۱۳۵ انعام ﴿مَكَاتِبِكُمْ﴾ (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/۱۸۵؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۲۷۲) و در آیه ۲۴ توبه ﴿عَشِيرَتِكُمْ﴾ (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵/۳۰؛ فارسی، حجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/۱۰۰۲) را بنابر جمع روایت نموده است. در آیه ۲۹ مؤمنون ﴿مُنزلاً مُباركاً﴾ را «مَنْزَلاً» به فتح میم و کسر زاء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۷/۱۹۸؛ فارسی، حجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳/۱۴۲۸) و در آیه ۵۵ نور ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ را به صورت «كما استخلف» با ضمه تاء و کسر لام روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۷/۲۸۲؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۵۰۴). او در آیه ۱۴ یس «فَعَزَّزْنَا بِبَالِثٍ» با تخفیف زاء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۸/۲۸۸؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۵۹۷) و در آیه ۶۶ واقعه «إِنَّا لَمُعْرَمُونَ» را به صورت «أِنَّا لَمُعْرَمُونَ» آورده (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۹/۴۱۲؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۹۷) و در سوره صافات آیه ۶ ﴿إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِّتِ الكواكِبِ﴾ «الكواكب» را با نصب روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۹/۳۲۴؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۰۴).

مثال‌هایی که بیان شد، مواردی است که ابوبکر بن عیاش با همه قراء حجاز، عراق و شام مخالفت کرده است. اگر مواردی که با برخی از قراء یا با بعضی از راویان مخالفت کرده، احصا کنیم، بی‌اساس بودن ادعای اتفاق قرائت روشن‌تر می‌شود.

در تفسیر مجمع‌البیان آمده که ابوبکر بن عیاش در ده مورد از قرائت عاصم تخلف کرده تا روایتش کاملاً مطابق قرائت حضرت علی (علیه السلام) باشد و این همان قرائت حسن بصری و ابوعبدالرحمن سلمی می‌باشد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۶/۴۴۷؛ ۱۰/۵۵؛ ۴/۴۳؛ ۴/۱۳۴). اگر ابوبکر بن عیاش در این موارد از قرائت عاصم تخلف کرده تا روایتش کاملاً مطابق قرائت امام علی (علیه السلام) گردد، باید به این سؤال پاسخ داد که ابوبکر بن عیاش از چه طریقی به قرائت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست یافته است؟ او که در نیمه دوم سده دوم هجری امام‌القراء بوده، چگونه به قرائت حضرت علی (علیه السلام) دست یافته است مگر اینکه طریقی غیر از عاصم برای او وجود داشته است تا به قرائت حضرت دست یابد؟

در تبیین ادعای مجمع‌البیان باید گفت: «شاید آن ده مورد معروف و مشهور بوده است؛ لذا ابوبکر از راه شهرت به آنها علم پیدا کرده یا اینکه با ده مورد کسی شاگرد حساب نمی‌شود. دیگر اینکه چه اشکالی دارد که ابوبکر این ده مورد را پیش چند استاد نیز فرا گرفته باشد». نیز می‌توان به مواردی که عاصم از قرائت ابوعبدالرحمن سلمی اعراض نموده، استشهاد کرد. ابو عبدالرحمن سلمی «بُهْدِ» در آیه «**أُولَئِكَ يَهْدِي اللَّهُ لِلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ**» (اعراف/ ۱۰۰) و آیه «**أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ**» (طه/ ۱۲۸؛ سجده/ ۲۶) به صورت متکلم مع‌الغیر قرائت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/۳۴۳؛ خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۳/۱۱۰) و در آیه ۱۱۸ توبه «**وَعَلَى الْفَلَاقَةِ الَّذِينَ خُلِقُوا**» «خُلِقُوا» را «خالفوا» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۳/۴۷۴) و در آیه «**وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا**» (احقاف/ ۱۵) «**إِحْسَانًا**» را «**حَسَنًا**» (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۸/۴۸۹) قرائت کرده است. او آیه «**شُرَكَاءَ كُفٍّ**» (یونس/ ۷۱) را به رفع (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۳/۵۹۲) و «عُجَاب» را با تشدید جیم (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۸/۸۰) و «أَثَارَةَ» را با سکون ثاء و بدون الف (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۸/۴۷۹) و «لُغُوب» (ق/ ۳۸) را با فتح لام (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۹/۱۱۶) و «عَرَفَ» را با تخفیف راء (خطیب، معجم القرائات، ۱۴۳۰: ۹/۵۱۹) قرائت کرده است. در این موارد، عاصم از استادش پیروی ننموده؛ همان‌گونه که در موارد ادعایی، ابوبکر نیز تبعیت نکرده است.

اعتبار روایت ابوبکر بن عیاش

قرائتی نزد شیعه معتبر است که به تأیید امام معصوم علیه السلام رسیده باشد. سالم بن سلمه گوید: مردی برای امام صادق علیه السلام چند کلمه از قرآن خواند و من گوش می‌کردم و به روشی که مردم می‌خوانند، نبود. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ أَقْرَأَ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۳). و در روایتی دیگر حضرت به سفیان بن سمط فرمود: «اقْرَءُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ» (همان، ۶۳۱: ۲/۶۳۱). در این دو روایت امام معصوم علیه السلام می‌فرماید: همان‌گونه که به شما قرآن آموخته‌اند، قرائت کنید؛ به همان قرائتی که عموم مردم تلاوت می‌کنند، تلاوت کنید. راویان این دو حدیث کوفی هستند (طوسی، رجال، ۱۴۲۸: ۲۱۷ و ۲۲۰). این دو راوی که در کوفه زندگی می‌کنند، از چه کسی قرائت می‌آموزند؟ مردم کوفه طبق کدام قرائت تلاوت می‌کنند؟ امام القراء کوفه چه کسی است؟ بعد از عاصم (م ۱۲۷ق) بیش از پنجاه سال ابوبکر بن عیاش امام القراء کوفه بوده است. از دوران امام صادق علیه السلام تا اواسط امامت امام هشتم علیه السلام ابوبکر سمت امام القرائی کوفه داشته و تنها مردم کوفه از طریق او به قرائت عاصم اعتماد داشتند (ابن مجاهد، سبعة فی القرائات، بی‌تا: ۷۰). بنابراین طبق این دو حدیث امام صادق علیه السلام قرائت رایج مردم کوفه که قرائت عاصم به روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد، تأیید نموده‌اند. روایت دیگری از امام کاظم علیه السلام وارد شده که می‌تواند مؤید این دو روایت باشد (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۹).

باید توجه داشت مسئله قرائت امری نبوده که با مرگ راوی منسوخ گردد. سالیان سال بلکه قرن‌ها روایت ابوبکر بن عیاش در میان مسلمانان رواج داشته است. صاحب تفسیر البحر المحیط که در قرن هشتم هجری می‌زیسته، می‌گوید: مردم عراق بر اساس این روایت رشد نموده و تربیت شده‌اند (ابوحیان، البحر المیحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۱/۲۳). علما قرآن را طبق این روایت تفسیر می‌نمود. تفسیر مجمع البیان نمونه کاملی است که بر اساس این روایت به رشته تحریر درآمده است. در قرن دهم هجری نیز ملا فتح الله کاشانی از شاگردان محقق کرکی تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین را نوشت که بر اساس این روایت می‌باشد. در این زمینه مقاله‌ای با عنوان «نگرشی بر قرائت عاصم به روایت شعبه و تأثیر آن بر تفسیر شیعی در عهد صفویه» (ستوده نیا، نگرشی به قرائت عاصم، ۱۳۸۱: ۱-۲۱) به رشته تحریر درآمده است. در تفاسیری همانند روح الجنان و روض الجنان، تفسیر الصافی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تفسیر اثنا عشری، تفسیر سبیر، تفسیر عیاشی و تفسیر المیزان می‌توان نمونه‌هایی از این روایت را یافت که در ادامه این نوشتار به مواردی از آن اشاره می‌شود.

نمونه‌هایی از روایت ابوبکر بن عیاش در تفاسیر امامیه

قبل از بیان مواردی که در تفاسیر شیعه بنا بر روایت ابوبکر بن عیاش تفسیر شده‌اند بیان این نکته ضروری است که پاره‌ای از اختلاف قرائت مربوط به اعراب می‌باشد که برخی از آن‌ها در معنا تأثیری ندارند به طور مثال ابوبکر بن عیاش «رضوان» را با ضمه‌ی راء و «قرح» و «قسطاس» را با ضمه‌ی قاف و «دأباً» با سکون همزه و «شنتان» با سکون نون روایت کرده است. و برخی دیگر که در معنا تأثیرگذار هستند ولی در متن تفسیر به این اختلاف قرائت نمی‌توان دست یافت مثل موارد متعددی که اختلاف قرائت برای معلوم و مجهول بودن فعل است و یا این‌که اختلاف قرائت به سبب فعل ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید می‌باشد.

۱. مهمترین آیه‌ای که اختلاف روایت حفص و ابوبکر بن عیاش در آن مشهود است، آیه «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ» (بقره/ ۲۲۲) می‌باشد (ابوزرعه، حجه القرائت، ۱۴۰۴: ۱۳۴؛ فارسی، حجه فی علل القرائت السبع، ۱۴۳۰: ۱/ ۴۸۱) و کمتر تفسیری می‌توان یافت که در این آیه به این اختلاف توجه نموده باشد. بنابر روایت حفص «یطهرن» با تخفیف طاء به معنای «انقطاع خون حیض» و بنابر قرائت کوفه غیر از حفص با طاء مشدده به معنای «غسل یا اغتسال» می‌باشد. در تفسیر قمی آمده است: «النساء لا تأتوهن فی الفرج حتی یغتسلن» (قمی، تفسیر القمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۷۳) و طبرسی طبق هر دو روایت آیه را تفسیر نموده و نظرش مطابق روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۲/ ۱۱۷). این اعتقاد طبرسی برگرفته از نظر شیخ طوسی در تفسیر شریف تبیان است (طوسی، التبیان، بی‌تا، ۲/ ۲۲۱). ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه می‌گوید: «چون خون منقطع شود و شوهرش را روا باشد که نزدیکی کند بعد غسل الفرج» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۳۴). تفاسیر دیگری نیز طبق این روایت به تفسیر این آیه پرداخته‌اند (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۶۲؛ حسینی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۸۹). نظر شیخ صدوق در مسئله همبستری مرد بعد از طهارت زن از حیض و قبل از غسل حیض با روایت ابوبکر بن عیاش سازگاری کامل دارد (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۴: ۱/ ۹۵). این فتوا ظاهراً از صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام اخذ شده است (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۳۹). احادیث دیگری نیز در تأیید روایت ابوبکر بن عیاش وجود دارد (همان، ۳/ ۸۲). در تفسیر شاهی ذیل آیه مورد بحث آمده که عمل به جمیع قرائت واجب است (حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ۱۴۰۴: ۱/ ۷۲) و همبستری در این زمان مرجوح می‌باشد (همان، ۷۴).

۲. ابوبکر بن عیاش هر دو فعل آیه ﴿وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ﴾ (آل عمران / ۱۱۵) را به صورت مخاطب روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/۴۴۶؛ ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۱۷۱؛ ابی مریم، الموضح فی وجوه القرائات، ۲۰۰۹: ۲۴۳) و طبرسی در تفسیر آیه فرموده: «لا تجحد طاعتکم و لا تستر بمنع الجزاء» (همان) که هر دو فعل را به صیغه مخاطب آورده است.

۳. در اختلاف قرائت آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ (آل عمران / ۱۸۷) آمده است: «قرأ ... أبو بكر عن عاصم «لبيئنه» بالياء و «لا يكتُمونه» بالياء أيضا و الباقون بثناء فيهما» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۲/۵۵۵؛ ر.ک: ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۱۸۵؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱/۶۴۸). شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌فرماید: «إِذْ أَخَذَ اللَّهُ» منهم الميثاق لبيئنه أمر نبوة النبي ﷺ و لا يكتُمونه» (طوسی، التبیان، بی تا: ۳/۷۳). وی هر دو فعل را به صورت غایب آورده که موافق روایت ابوبکر بن عیاش است و در ادامه می‌فرماید: «و الهاء فی «لبيئنه» عائدة علی محمد ﷺ» (همان). وی با کلمه «لبيئنه» تصریح می‌کند که این تفسیر بر اساس روایت ابوبکر بن عیاش است.

۴. ابوبکر بن عیاش فعل «أُحْصِنَ» را آیه ﴿فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفٌ مَا عَلَى الْمُحْصِنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ (نساء / ۲۵) با همزه و صاد مفتوحه روایت کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۳/۷۱؛ ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۱۹۸؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/۶۷۷). طبرسی در تفسیر آیه آورده است: «من قرأ بالفتح فمعناه أسلمن» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۳/۷۳) علامه طباطبایی همین معنا که مطابق روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد، ترجیح داده است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۴/۲۷۸).

۵. در اختلاف قرائت آیه ۱۵۲ نساء آمده است: «قرأ حفص «يُؤْتِيهِمْ» بالياء و الباقون «نُؤْتِيهِمْ» بالنون» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۳/۲۶۴؛ ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۲/۱۸؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/۷۰۶). طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «﴿أُولَئِكَ سَوْفَ نُؤْتِيهِمْ﴾ أي سنعطیهم أجورهم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۳/۲۶۵). در واقع، وی آیه را به صیغه متکلم تفسیر کرده است که با روایت ابوبکر بن عیاش مطابقت دارد. علامه طباطبایی نیز آیه را بر اساس همین روایت تفسیر کرده و فرموده است:

وجه این التفات این است که کیفر کفار را به خود نسبت دهد تا از نظر لحن گفتار در دل شنونده مؤثر بیفتد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۲۷). التفات از غایب به متکلم طبق روایت ابوبکر بن عیاش صحیح می‌باشد.

۶. در آیه ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾ (انفال / ۵۹) ابوبکر بن عیاش «و لا یحسبن» را با تاء روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۳۱۲؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/ ۹۸۵) و تفسیر مجمع‌البیان از آیه به صورت «و لا تحسبن یا محمد أعداءک الکافرین» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۴/ ۵۲۷) با روایت ابوبکر بن عیاش هم‌خوانی کامل دارد. علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه می‌فرماید: «القراءة المشهورة «تحسین» بقاء الخطاب، و هو خطاب للنبي» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹/ ۱۱۴).

۷. او در آیه ۱۰۳ توبه «صَلَاتُكَ» به صورت جمع روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۳۲۳؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/ ۱۰۲۲) و طبرسی این کلمه را به «دَعْوَاتُكَ» تفسیر نموده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۲۷) بر خلاف برخی از مفسران که آن را به «دَعَاءُكَ» تفسیر نموده‌اند (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۶/ ۱۵؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۲/ ۳۸۴؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۱/ ۱۳؛ بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵: ۲/ ۴۰۴).

۸. ابوبکر بن عیاش در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (یونس / ۲۳) کلمه «مَتَاع» را به رفع عین روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۳۳۰؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/ ۱۰۴۵) و زجاج «بغی» را مبتدا و «مَتَاع» را خبر قرار داده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۷۸) و توضیح طبرسی از آیه به صورت «بغی بعضکم علی بعض و ما ینالونه به متاع فی الدنیا» (همان، ۵/ ۱۹۰) مطابق قول زجاج و روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد.

۹. ابوبکر بن عیاش آیه آخر سوره هود ﴿وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ به صیغه غایب روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۳۵۳؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲/ ۱۰۳۹) که در آن نوعی تهدید برای کفار می‌باشد و در صیغه مخاطب، خطاب به پیامبر ﷺ و امت آن حضرت می‌باشد. مجمع‌البیان آیه را طوری تفسیر نموده که در آن هم نوعی تهدید وجود دارد و هم مخاطب، تنها پیامبر اسلام است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵/ ۳۹۵) که با روایت ابوبکر بن عیاش سازگار کامل دارد.

۱۰. طبرسی در اختلاف قرائت آیه «تَزْرَعُونَ سَمِيعَ سِنِينَ دَابًّا» (یوسف / ۴۷) می‌فرماید: «قرأ حفص دأبا بفتح الهمزة و الباقون بسكونها» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵ / ۴۵۵). ابوعلی فارسی در دفاع از روایت حفص به احتمال کفایت کرده و دلیلی بر آن اقامه نکرده که نشان دهنده برتری روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد (فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲ / ۱۱۶۴).

۱۱. ابوبکر بن عیاش آیه ۶۲ یوسف «قَالَ لِفَتْيَانِهِ» به صورت جمع قلّه یعنی «لِفَتْيَانِهِ» روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۱؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲ / ۱۱۶۷). در تأیید این روایت به حدیثی از امام باقر (علیه السلام) که درباره داستان حضرت یوسف می‌باشد، می‌توان استناد کرد. در تفاسیر شیعی آمده است: «أَمَرَ [يُوسُفَ] فِتْيَانَهُ أَنْ يَأْخُذُوا بِضَاعَتِهِمْ ... فَلَحِقَهُمْ يُوسُفٌ وَ فِتْيَانُهُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶: ۱۸۲/۳؛ عروسی حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۳۹). در تفسیر مجمع البیان این کلمه به «اعوان» (معاون) نیز تفسیر شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۵ / ۴۵۵) که با جمع قلّه سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا وزراء و افراد نزدیک حاکم افراد معدودی هستند برخلاف تفسیر به غلمان.

۱۲. او آیه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ» (اسراء / ۴۴) به صیغه غایب روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۴۰۵؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۲ / ۱۲۵۷). شیخ طوسی در تفسیر «یسبح له» افعال «ینزهه» و «لا یشرکه» که صیغه غایب هستند، به کار برده است (طوسی، التبیان بی تا: ۶ / ۴۸۲) تا تأیید این روایت باشد.

۱۳. ابوبکر بن عیاش در آیه «أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى» (طه / ۱۳۳) «تَأْتِيهِمْ» را به صیغه غایب روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۴۶۵؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳ / ۱۳۹۲) و طبرسی در تفسیر خویش فعل مورد بحث را به صیغه غایب آورده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۷ / ۷۲) و علامه طباطبایی و شیخ طوسی نیز این آیه را طبق روایت ابوبکر بن عیاش تفسیر نموده‌اند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۲۴۰؛ طوسی، بی تا: ۷ / ۲۲۵).

۱۴. این راوی آیه ۴ انبیاء را «قل ربی» و حفص آن را «قال ربی» روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۴۶۵؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳ /

۱۳۹۳) «و من قرأ قل فإنه على الخطاب» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۷/ ۷۵) و طبرسی در تفسیر آیه فرموده است: «قل» یا محمد «رَبِّي» الذي خلقني و اصطفاني» (همان) که موافق روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد. در آیه پایانی همین سوره این اختلاف تکرار شده است (ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴، ۴۷۱؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳/ ۱۴۰۲) و طبق همین روایت آیه تفسیر شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۷/ ۱۲۹؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۳/ ۲۹۰؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۷/ ۲۸۶؛ کاشفی سبزواری، مواهب علیه، ۱۳۶۹: ۱/ ۷۲۵) و آیه ۲۴ زخرف نیز همین اختلاف قرائت را دارد (ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۴۹؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳/ ۱۷۰۹) و مفسران طبق همین روایت آیه را تفسیر نموده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۹/ ۷۹؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۹/ ۱۹۲؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۱۷/ ۱۶۰).

۱۵. ابوبکر بن عیاش «لِلْعَالَمِينَ» را در آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» (روم/ ۲۲) به فتح لام روایت کرده است (ابوزرع، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۵۵۸؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۳/ ۱۵۵۲). شیخ طوسی با تفسیر آیه به صورت «إِن فِي خَلْقِ جَمِيعِ ذَلِكَ لِدَلَالَاتٍ وَاضِحَاتٍ لِّجَمِيعِ خَلْقِهِ الَّذِينَ خَلَقَهُمْ» (طوسی، التبیان، بی‌تا، ۸/ ۲۴۱) عالمین را به جمیع خلق تفسیر نموده که مطابق روایت ابوبکر بن عیاش است. صاحب مجمع البیان نیز از وی تبعیت نموده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۸/ ۵۸). این آیه از جمله آیاتی است که اختلاف روایت در معنا تأثیر گذار می‌باشد. تعداد زیادی از مفسران شیعه آیه را طبق این روایت تفسیر نموده‌اند (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۵/ ۲۵۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۴/ ۱۲۹؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، ۱۴۰۷: ۵/ ۸۳؛ عاملی، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ۱۴۱۳: ۲/ ۵۰۹؛ کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۳۶: ۷/ ۱۷۱؛ سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۱۴۰۶: ۵/ ۳۵۷؛ کاشفی سبزواری، مواهب علیه، ۱۳۶۹: ۹۰۰؛ حسینی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ۱۰/ ۲۸۴) برخی از مفسران اهل سنت نیز آیه را طبق این روایت تفسیر نموده‌اند (اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۴/ ۳۳۳؛ میدی، کشف الاسرار و عدہ الابرار، ۱۳۷۱: ۷/ ۴۴۷؛ ابوحنبل، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۸/ ۳۸۲).

۱۶. ابوبکر بن عیاش کلمه‌ی «مقام» را در آیه «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ» (احزاب/ ۱۳) به فتح میم روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۵۷۴). ابوعلی فارسی «مقام» را به معنای موضع و مکان دانسته (فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱۵۵۷/۳) و تفسیر شیخ طوسی به صورت «لیس لکم مکان تقومون فیہ للقتال» (طوسی، التبیان، بی تا: ۳۲۳/۸) موافق این روایت می‌باشد.
۱۷. ابوبکر بن عیاش ثمرات را در «وَمَا فَخْرُجٌ مِنْ ثَمَرَاتٍ» (فصلت/ ۴۷) به صورت مفرد روایت کرده (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۳۸؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱۶۸۴/۳) و طبرسی با تفسیر آیه به: «و ما تخرج ثمرة من أوعيتها و غلفها» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۳۱/۹) ثمره را مفرد آورده است. شیخ طوسی نیز بر اساس همین روایت آیه را تفسیر نموده است (طوسی، التبیان، بی تا: ۱۳۵/۹).
۱۸. او آیه «يَعْلِي فِي الْبَطُونِ كَعَلِي الْحَمِيمِ» (دخان/ ۴۵ و ۴۶) یغلی را با تاء روایت کرده است (ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۵۷) و در مجمع البیان آیه به «إِذَا حَصَلَتْ فِي أَجْوَابِ أَهْلِ النَّارِ تَعْلَى كَعَلَى الْمَاءِ الْحَارِّ الشَّدِيدِ الْحَرَارَةِ» تفسیر شده (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۱۲۰/۹) که مطابق همین روایت می‌باشد.
۱۹. در اختلاف قرائت آیه «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ» (ق/ ۳۰) آمده است: «قرأ نافع و أبو بكر «يوم يقول» بالياء و الباقون بالنون» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۲۶۶/۹؛ فارسی، الحجه فی علل القرائات السبع، ۱۴۳۰: ۱۷۶۳/۳؛ ابوزرعه، حجه القرائات، ۱۴۰۴: ۶۷۸). طبرسی با تفسیر آیه به صورت «اذکر یا محمد ذلك اليوم الذي يقول الله فيه لجهنم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۷: ۲۷۰/۹) همانند روایت ابوبکر بن عیاش «يقول» را به صیغه غایب در نظر گرفته است.
۲۰. در اختلاف قرائت سوره اخلاص آمده است: «قرأ حفص «كُفُّوا» مضمومة الفاء مفتوحة الواو و غیر مهموزة و قرأ الباقون كُفُّوا بالهمزة و ضم الفاء» (همان، ۱۰/۴۵۲؛ ابی مریم، الموضح فی وجوه القرائات و عللها، ۲۰۰۹: ۸۴۹). سید یزدی در فصل قرائت عروه الوثقی در تأیید روایت ابوبکر بن عیاش می‌فرماید: «يجوز في كفوا أحد أربعة وجوه كُفُّوا بضم الفاء و بالهمزة...» (طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ۱۴۰۹: ۱/۶۷۵). اولین وجهی که ایشان برای قرائت سوره اخلاص آورده‌اند، طبق روایت ابوبکر بن عیاش می‌باشد. علامه حلی در

بحث جواز قرائت قراء سبعة در نماز می‌فرماید: «أحبّ القراءات إليّ ما قرأه عاصم من طريق أبي بكر بن عيَّاش» (حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۲: ۵/ ۶۴). ایشان از جهت فقهی روایت ابوبکر بن عیاش را بهترین طریق قرائت قرآن می‌دانند.

نتیجه

۱. گذشتگان قرائت عاصم را فقط از طریق ابوبکر بن عیاش پذیرفته‌اند.
۲. در میان روات عاصم کسی همپایه ابوبکر بن عیاش در فضایل اخلاقی، زهد و تقوی وجود نداشته است.
۳. روایت ابوبکر بن عیاش را اثبت، اوثق و اضبط بیان کرده‌اند و نسبت ضعف به او مربوط به فن حدیث است و نسبت نسیان مربوط به دوران آخر عمر وی می‌باشد که مبتلا به عارضه نسیان شده است.
۴. ابوبکر بن عیاش در مواردی از قرائت عاصم تبعیت ننموده همان‌گونه که عاصم در مواردی معدود از قرائت ابو عبدالرحمن سلمی اعراض نموده است.
۵. امام صادق علیه السلام در دو روایت به مردم کوفه سفارش به قرائت ناس فرموده‌اند که مراد همان قرائت عاصم از طریق ابوبکر بن عیاش می‌باشد.
۶. تفسیر مجمع‌البیان و منهج‌الصادقین نمونه‌های کاملی هستند که طبق روایت ابوبکر بن عیاش به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. در دیگر تفاسیر شیعی می‌توان آثار جالب توجهی از این روایت را به دست آورد.

منابع و ماخذ

۱. ابن ابى مریم، الموضح فى وجوه القرائات و علمها، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹.
۲. ابن أبى الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن على، تهذيب التهذيب، بیروت: دار صادر، ۱۳۲۷ق.
۵. ابن جزرى، محمد بن محمد، النشر فى القرائات العشر، تحقیق جمال الدين محمد شرف، طنطا: دار الصحابة للتراث، بی تا.
۶. ابن جزرى، محمد بن محمد، غاية النهاية فى طبقات القراء، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۷. ابن مجاهد، کتاب السبعة فى القرائات، تحقیق الدكتور شوقى ضيف، قاهره: دارالمعارف، چاپ سوم، بی تا.
۸. ابو زرعه، عبدالرحمن بن محمد، حجة القرائات، تحقیق سعيد الافغانى، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ق.
۹. ابوالفتوح رازى، حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان فى تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدى ناصح، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابوحیان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسیر، تحقیق صدقى محمد جمیل، بیروت: دار الفكر، ۱۴۲۰ق.

۱۱. اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۱۲. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق مؤسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۴. برقی، احمد بن خالد، کتاب الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۱۵. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق محمدعلی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۷. بهارزاده، پروین، روایت حفص از عاصم و دلایل ترجیح آن، بینات، شماره ۱۲، ص ۷۵-۹۵، زمستان ۱۳۷۵.
۱۸. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، آیات الأحكام، تهران: نوید، ۱۴۰۴ق.
۱۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۲۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۲. خطیب، عبدالطیف محمد، معجم القرائات، دمشق: دارسعدالدین، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
۲۳. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالنعیم عامر، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

۲۴. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعيب الأرنبوط، چاپ یازدهم، بیروت: الرسالة، ۱۴۱۹ق.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، معرفة القراء الكبار على الطبقات و الأعصار، تحقیق محمد سيد جاد الحق، مصر: دارالتأليف، بی تا.
۲۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبيب الله، الجديد فى تفسير القرآن المجيد، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.
۲۷. ستوده‌نیا، محمدرضا، نگرشی بر قرائت عاصم به روایت شعبه و تأثیر آن بر تفسیر شیعی در عهد صفویه، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۱۴، صص ۱-۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۲۸. شبر، سيد عبد الله، الجوهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين، كويت: مكتبة الألفين، ۱۴۰۷ق.
۲۹. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن النعمان، امالى الشيخ المفيد، قم: مكتبة بصيرتى، بی تا.
۳۰. شيخ مفيد، محمد بن محمد، الأمالى، ترجمه ولى حسين، مشهد: آستان قدس رضوى، ۱۳۶۴ش.
۳۱. طباطبایى يزدى، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، بیروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۲. طباطبایى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان لعلوم القرآن، تهران: رابطة الثقافه و العلاقات الاسلاميه، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.

۳۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، رجال الطوسی، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، چاپ چهارم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم: دارالتقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۷. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، التبیان، تحقیق احمد قیصر العاملی، بیروت: احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۸. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، تحقیق مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۳۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: رسولی محلاتی سید هاشم، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸ق.
۴۱. فارسی، حسن بن احمد، الحجة فی علل القرائات السبع، تحقیق محمد ابراهیم سنبل و همکاران، طنطا: دار الصحابة للتراث، ۱۴۳۰ق.
۴۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق قاضی سید محمد، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۴۳. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۴۴. فضل عباس، اتقان القرآن فی علوم القرآن، اردن: دار النفائس، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
۴۵. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

۴۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق درگاهی حسین، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۷. قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح السید طیب الموسوی الجزائری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۴۸. کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: علمی، چاپ سوم، ۱۳۳۶ش.
۴۹. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، مواهب علیه، تحقیق جلالی نائینی سید محمد رضا، تهران: اقبال، ۱۳۶۹ش.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۵۱. مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۵۲. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق حکمت علی اصغر، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.